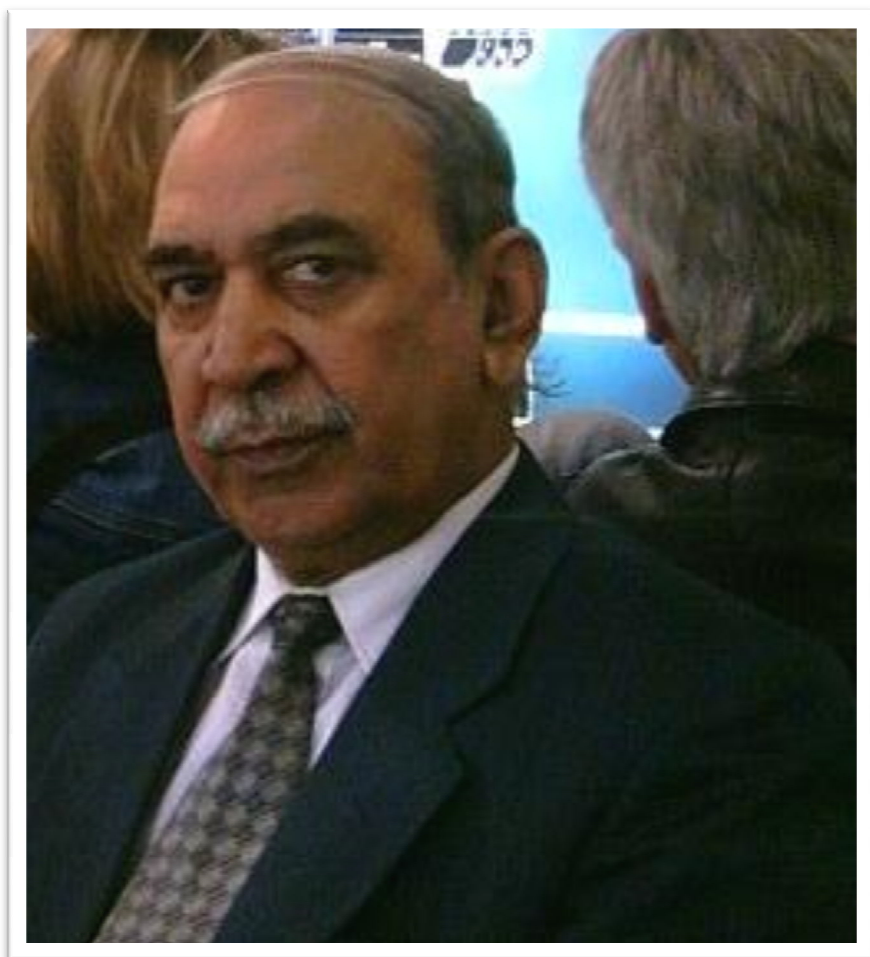


حکایات هفت سلطان ورویات مردمی



نه شاعر، نی ادیب ، نی مولف ، ونی سخنرانم

بسیط ساده مردی ازازل مشتاق عرفانم

منم اهل تصوف دوست دارم مشرب صوفی

بودنامم عزیزو عاشق رویای انسانم



از دفتر زمانه فتد نامش از قلم — هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

پیشگفتار:

حکایات هفت سلطان عنوان بامسمی ئی در مورد داستانها ، حکایات و روایات مردمی ایست که طی قرون متمادی از زبانی به خامه ئی نقل و درافکار انسا نهایی جامعه باستان ما بصورت مستمر خطور نموده است .

میرهن است که هر جامعه ئی و هر مردمی مشبوع از چنین قصه ها و گفته ها بوده و این ارمغان از نسلی به نسلی میراث مانده است .

با توجیه این جمله: که در هر شوخی ئی بخشی از واقعیت ها نهفته است . اندیشیدم چکیده هارا در مجموعه ئی گرد آورده تا باشد چشم اندازان این سطور بزعم خویش از آن اندوخته ها ئی را دریابند . چه در غیر آن با سپری شدن ایام ، این تراوشها از صفحات خاطر هازدوده شده و چیزی از گفته های مردمی بیاد گار نخواهد ماند . هر چند این گرد آوره ها مکمل نبوده چه از نظر محتوا و چه از لحاظ املا و انشاء عاری از کاستی ها و کمبود ها نمیشد اما آنچه اهمیت دارد آنست که رقم زده ام احساس دورنی ام بوده که با سادگی قلم منقوش گردیده است طوریکه در صدر هم تذکر داده ام شاعر نیستم و به نویسنده گی هم ید طولائی ندارم و فرهیخته هم نمی باشم و باور کامل دارم که

دوستان و اهل خبره با مشوره های نیک و سودمند شان این مجموعه را غنا بخشیده و به اخلاف اهدا خواهند نمود .



به هر صورت : قابل یادآوریست که محترم دیپلوم انجینر عزیز جان (**جراثت**) ژورنالیست موفق و مسئول سایت انترنیتی آریائی با وجود سایر مصروفیت های وظیفوی که دارند لطف نموده صفحه دیگری را بنام (**حکایات هفت سلطان**) برای شما دوستان و علاقمندان علم و فرهنگ در جنب مطالب جالب و خواندنی خویش اضافه نموده که من هم از زحمت کشی ایشان اظهار سپاس و قدردانی نموده سعادت و کامگاری همیشگی را در امور و وظایف روزمره شان از بارگاه ایزد متعال خواهانم .

دوستان عزیز : حکایات و روایات مردمی را که از سالهای ۱۳۳۸ باینطرف در مورد **حضرات انبیا ، اولیا ، وهفت سلطان** از زبان دوستان نزدیکم و یا اشخاص با معلومات شنیده ام میخواهم که شمه آنرا بزبان خیلی ساده نقل قول نموده و بشما دوستان و بیننده گان عزیز تقدیم نمایم .

حکایات هفت سلطان از اینقرار است:

- ۱- جناب سلطان اسکندر ذوالقرنین — ۲ جناب سلطان سید احمد کبیر
- ۳- جناب سلطان بایزید بسطامی — ۴ جناب سلطان ابراهیم ادهم
- ۵- جناب سلطان محمود غزنوی — ۶ جناب سلطان ابوالحسن خرقانی
- ۷- جناب سلطان حسین بایقرا

به همه حال : میگویند چنین روایتی هم وجود داشته که **جناب بی بی حسن بصری** با داشتن علم ولایت و درجه کشف القلوب شان نیز در جمله سلطان ها بشمار میرود .

وازیانان هم میگویند که جناب مبارک حضرت ویس قرن هم از جمله نازدانه های خداوند ج بوده که درین زمره قرار داشته. و در قسمت درجه سلطان بودن جناب محمود غزنوی شک و تردیدی وجود دارد

دوستان عزیز: اگر عمر در قید حیات بود بعداً مطالب خیلی دلچسپ و جالب را در قسمت حضرات انبیا بخصوص اولیای کرام شهر کابل و دیگر ولایات کشور عزیز ما که بعضی ها چشم دید های بنده نیز میباشد طور مثال:

جناب سید جان آغا جبل السراج ،

جناب خلیفه صاحب محمد شفیع جان چاریکار ،

جناب حاجی صاحب آغا محمد لوگر .

جناب بابا صاحب حصارک لوگر ،

جناب میرزا جان برهنه یغمانی ،

جناب قطب الدین مشهور به قودوملنگ دهمزنگ .

جناب حاجی صاحب قلعه مسلم ،

جناب خلیفه صاحب بوت دوز بندرخان آباد کندوز،

جناب سالارملنگ که اضافتر از پنجاه سال جابجا در یک گوشه بازار حضرت امام صاحب نشسته بود که استاد شدن آنمبارک را تا بوقت فوتش کسی ندیده هست .

و همچنان جناب سید زینو آغا حضرت امام صاحب که اکثر آ وقت به عوض نان شیشه ها را نوشجان مینمود .

جناب میرهاشم آغا غزنوی مشهور به آغا صاحب تق تقی ،

جناب خلیفه صاحب قلعه واحد

جناب سید حمیدالله آغا واقع خواجه جمع ولی یغمان و دیگر اولیای کرام که همین حالا نامهای ایشان را بیادندارم حکایات و معجزه آنها خیلی دلچسپ و جالب بوده انشالا همه آنرا یکایک بشما عزیزان خواهم نگاشت.

والله اعلم بالصواب

عزیز حیدری

از شهر گوتنبرگ سویدن

AzizHaidari@hotmail.com